

ریسک تقلب در اعتبارات اسنادی در تجارت بین الملل

غلامرضا کریمی^۱

حسین مهرپور^{۲*}

منوچهر توسلی نائینی^۳

چکیده

اعتبارات اسنادی یکی از مهم‌ترین روش‌های پرداخت ثمن کالا در تجارت بین‌الملل است. با وجود مزایای مهم و قابل توجه اعتبارات اسنادی، این روش پرداخت به طور کامل ریسک انجام معامله در تجارت بین‌الملل را از بین نمی‌برد. یکی از مهم‌ترین ریسک‌های موجود در پرداخت بر مبنای اعتبارات اسنادی ریسک تقلب است. ریسک تقلب در رابطه با امکان اتفاق افتادن تقلب در روند پرداخت وجه اعتبار است که تقلب بر دو نوع است: تقلب یا در رابطه با اسناد ارائه شده به بانک صورت می‌گیرد و یا در رابطه با معامله پایه مر بوط به اعتبارنامه اسنادی. محاکم کشورهای مختلف در رابطه با این دو نوع تقلب با توجه مقررات یوسی پی که مقررات حاکم بر اعتبارات اسنادی است. ضمن بیان مفهوم تقلب در اعتبارات اسنادی به عنوان یکی از مهم‌ترین ریسک‌های مربوط به این روش پرداخت، نتیجه تقلب صورت گرفته در روند پرداخت بر مبنای اعتبار اسنادی را هم در رابطه با تقلب‌های رخ داده در معامله پایه و هم در رابطه با تقلب رخ داده در اسناد ارائه شده جهت انجام پرداخت ثمن کالاها بررسی نماییم. با توجه به اصل استقلال معامله پایه از روند پرداخت بر مبنای اعتبار اسنادی به نظر می‌آید که محاکم تمایلی کمتری به پذیرش ادعاهای مربوط به تقلب در معامله پایه برای صدور دستور عدم پرداخت وجه اعتبار دارند. نویسندگان در این مقاله با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانه‌ایی به انجام تحقیقی در این زمینه پرداخته‌اند.

واژگان کلیدی: اعتبارنامه اسنادی، ریسک، استثناء تقلب، اصل استقلال.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، حقوق خصوصی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی

rezakarimi708@gmail.com

۲. استاد گروه حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) h_mehrpour@sbu.ac.ir

۳. دانشیار گروه حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران tavasoli2000@hotmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۱۹

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره پیاپی سی و یکم، صص ۲۸۱-۳۰۷

۱. مقدمه

اعتبارنامه اسنادی را می‌توان اعتباری تلقی نمود که از طرف یک بانک صادر می‌شود و به موجب این اعتبار، بانک در برابر ارائه اسناد مورد نیاز توسط ذینفع اعتبار در یک زمان مشخص، مکلف به پرداخت وجه اعتبار می‌شود. در اعتبارنامه اسنادی از آنجایی که شرط پرداخت بر مبنای آن‌ها ارائه اسناد معین از طرف ذینفع است و در واقع، طرفین تنها بر اساس اسناد عمل می‌کنند (شهبازی نیا و ایوبی، ۱۳۹۴: ۷۶)، این روند پرداخت را نوعی معامله اسنادی نیز می‌نامند.

در حقوق بین‌الملل، یکی از بزرگ‌ترین دستاوردها در رابطه با یکپارچگی یا وحدت قوانین در رابطه با اعتبارنامه اسنادی صورت پذیرفته است. بانک‌های بین‌المللی در ۱۷۵ کشور جهان اعتبارات اسنادیشان تحت عرف‌ها و رویه یکنواخت برای اعتبارات اسنادی یا همان یوسی پی^۱ که به وسیله اتاق بازرگانی بین‌المللی بنا نهاده شده، فعالیت می‌کنند (Moens, 2013: 23).

مقتضیات ویژه تجارت بین‌الملل از جمله عدم آشنایی کامل بین طرفین یک معامله همانند حقوق داخلی، وجود حجم بالایی از کالاها و طبیعتاً ارزش بالای ثمن کالاها در کنار سایر دلایل احتیاج به وجود راهکاری داشت که بتواند ریسک‌های مختلف مربوط به به انجام معامله در تجارت بین‌الملل را کاهش دهد و از این جهت اعتبار نامه اسنادی به عنوان یک پل ارتباطی بسیار مهم بین دو شخص غالباً ناآشنا در حوزه تجارت خارجی ابزاری کارآمد محسب گردید. این پل ارتباطی توانست بسیاری از نگرانی‌های مهم خریداران و فروشندگان در تجارت خارجی از جمله تضمین پرداخت ثمن کالا و انتقال مالکیت مطمئن کالاها را تا حد زیادی کاهش دهد و به عبارت دیگر ریسک‌های مختلف مربوط به انجام معامله در تجارت بین‌الملل را به نحو مؤثری مدیریت کند. کارامدی اعتبارات اسنادی تا آنجا مورد توجه قرار گرفته است که این روش پرداخت در

1. Uniform Customs and Practice for Documentary Credits (USP)
2. International Chamber of Commerce (ICC)

تجارت بین‌الملل به عنوان «خون زنده» تجارت بین‌الملل توصیف شده و از آن به عنوان «اسناد ناب بین‌المللی» یاد می‌شود.

این آداب و رسوم به وسیله بانک‌ها و مؤسسات مالی در اکثر کشورهای جهان مورد پذیرش واقع شده‌اند و توانسته‌اند به عنوان نمونه موفقی از یکنواخت سازی قوانین در سطح بین‌المللی مطرح شوند.

۲. یوسی پی

یوسی پی‌ها یا همان آداب و رسوم‌های اتاق بازرگانی بین‌المللی مجموعه‌ای از رویه‌هایی هستند که به وسیله مهم‌ترین بانک‌های کشورهای غربی در راستای استفاده از هنجارهای واقعاً جهانی رشد پیدا کرد (Moens, 2013: 23). آخرین نسخه از مقررات یوسی پی به نام مقررات یوسی پی ۶۰۰ از یک جولای ۲۰۰۷ به اجرا در آمد. در پیش‌گفتار مقررات یوسی پی ۶۰۰ از یک جولای ۲۰۰۷ به اجرا در آمد. در پیش‌گفتار مقررات یوسی پی ۶۰۰، دبیر کل اتاق بازرگانی بین‌الملل بیان می‌کند:

در رابطه با اشخاص و گروه‌هایی که در نسخه فعلی یوسی پی ۶۰۰ مشارکت کرده‌اند باید عنوان داشت این گروه‌ها شامل گروه‌هایی کاری برای تدوین پیش‌نویس یوسی پی بودند که از میان بیش از ۵۰۰۰ هزار نظرات دریافت شده از اشخاص مختلف، قبل از رسیدن به متن نهایی یوسی پی به دست آمد: گروه مشاوره یوسی پی، اعضای بیش از بیست و پنج کشور جهان بودند که به عنوان مجموعه‌ای مشاوره‌ای، واکنش و پیشنهاد نسبت به تغییرات در پیش‌نویس‌های مختلف (یوسی پی) می‌دادند.

بیش از ۴۰۰ عضو از کمیسیون اتاق بازرگانی بین‌المللی متخصص در تکنیک‌ها و رویه‌های بانکی، پیشنهادات مربوطه را برای تغییرات در این متن ارائه داده بودند و کمیته‌های ملی اتاق بازرگانی بین‌المللی در سرتاسر جهان نقش فعال در تثبیت نظرات اعضایشان (در پروسه تدوین یوسی پی) داشتند (Faure and derwalt, 2010: 122).

1. Lifeblood
2. Quintessential International Instruments.
3. UCP 600
4. Secretary General of the ICC

سی و نه ماده یو سی پی ۶۰۰ در حقیقت حاصل یک مساعدت جامع و عملی نسبت به بانک داران، وکلاء، وارد کنندگان و صادر کنندگان، مدیران حمل و نقل، مدرسان و هر شخص درگیر در معاملات اعتبارات اسنادی در سرتاسر جهان محسوب می‌شود. تلاش‌های گسترده فوق و در نظر گرفتن رویه بانک داری و سایر نهادهای ذی ربط و استفاده از نظر اندیشمندان مختلف در پروسه تدوین مقررات یوسی پی ۶۰۰ کارآمدی هرچه بیشتر این قوانین را در عمل به همراه داشته است. در رابطه با دلایل موفقیت یوسی پی در سطح جهانی دلایلی از جمله حوزه محدودده موضوعی آن، که اجازه (به تدوین) قواعد مشخص و دقیق در قالبی جهانی می‌داد و همچنین رویه غنی تاریخی فراملی اعتبارات اسنادی در تجارت و در نهایت فقدان هرگونه هنجارهای فرهنگی که جایگزین مقررات آن شود- در جایی که فرهنگ حقوقی می‌تواند دخالت نماید، که مربوط به استثناء تقلب نسبت به (اصل) استقلال اعتبارنامه می‌شود، هیچ تلاشی برای هماهنگ سازی قواعد آن صورت نگرفت (Janssen and Meyer, 2009: 225). با وجود این تلاش‌ها که نقش قابل توجهی در هماهنگ سازی مقررات حاکم بر اعتبارات اسنادی داشته است و توانسته با ایجاد قواعد متحدالشکل، ریسک‌های معاملات مبتنی بر اعتبارات اسنادی را کاهش دهد، هنوز ریسک‌های معاملات مبتنی بر اعتبارات اسنادی بطور کامل بر طرف نشده است. یکی از این ریسک‌ها که در مقررات اعتبارات اسنادی نیز به آن اشاره نشده است، مباحث مربوط به استثناء تقلب است.

۳. ریسک تقلب در اعتبارات اسنادی

مدیریت بازرگانی بین‌المللی چیزی بیشتر از مدیریت ریسک بین‌المللی نیست. توسعه گام‌ها و روش‌های مختلف در امور مالی بازرگانی بین‌المللی با مفهوم کنترل ریسک در ذهن بازرگانان تجسم می‌یابد. نگرانی فروشندگان در عرصه فراملی در راستای حداکثر سازی امنیت برای تحویل کالاها و به حداقل رساندن تأخیر در پرداخت ثمن کالاها است و نگرانی خریداران نیز حداکثر سازی منفعت در رابطه با حصول اطمینان از تحویل کالاها یا اسناد مالکیت کالاها است.

دولین جی هلد در پرونده میدلندبانک بر علیه سی مرآعنوان نمود که اعتبار نامه اسنادی تأیید شده، در راستای دادن امنیت به خواسته‌های بازرگانان قبل از حمل کالاها طراحی شده است. اعتبار نامه اسنادی چنین نقشی از تجارت بین‌الملل را تحقق بخشید و از این جهت اعتبارنامه اسنادی به عنوان خون زنده تجارت بین‌الملل توصیف شده است. دادگاه‌ها این نقش مهم اعتبارنامه اسنادی را نیز به رسمیت شناخته‌اند (Moens, 2013:45). رویه قضایی نیز در کنار جامعه بازرگانی بین‌الملل کمک به ایجاد نقش یکنواخت اعتبارات اسنادی و تحقق اهداف و کارکردهای مقررات یوسی پی ۶۰۰ نموده است. با این وجود به نظر می‌آید که مقررات یوسی پی به طور کامل ریسک خطرات معامله در تجارت بین‌الملل را از بین نبرده است و این بدین خاطر است که مفهوم تقلب که به عنوان یک استثناء تلقی می‌شود و در نظام‌های مختلف حقوق ملی نیز مورد قضاوت قرار می‌گیرند، لذا یکنواختی ایجاد شده توسط مقررات یوسی پی ۶۰۰ و به تبع آن ریسک معاملات مبتنی بر اعتبارات اسنادی را مفهوم تقلب در تجارت بین‌الملل تحت تأثیر قرار داده است. از این جهت لازم است که تلاش‌هایی در راستای یکنواخت سازی استاندارد تقلب در جهت کاهش ریسک اداری قراردادهای تجاری بین‌المللی مبتنی بر اعتبارات اسنادی صورت پذیرد.

۳-۱. استثناء تقلب

اصل کلی در اعتبارات اسنادی این است که در معامله مبتنی بر فروش اعتبارات اسنادی، بانک‌ها می‌بایستی بر اساس اصل استقلال اعتبارنامه اسنادی از معاملات پایه بدون توجه به عیوب مربوط به کالا یا محموله موضوع اعتبارات اسنادی و صرفاً با توجه به اسناد ارائه شده در روند پرداخت بر مبنای اعتبارات اسنادی عمل نمایند. از آنجایی که پرداخت وجوه در پروسه اعتبارات اسنادی تنها بر مبنای اصل انطباق اسناد تحت

1. Devlin j Held
2. Midland Bank v Seymour
3. Donaldson LJ in Intraco Ltd v Notis shipping Corporation of Liberia: The Bhoja Trade (1981)2 Lloyd's Rep 256 at 257
4. Autonomy Principle in Letters of credit
5. Conformity of Documents

شرایط اعتبار نامه اسنادی صورت می‌گیرد، فرصتی برای ارتکاب کلاهبرداری باقی می‌ماند و ممکن است از این فرصت افراد درگیر در تجارت سوء استفاده نمایند. برای مثال، اگر یک قرارداد ساختگی به بانک ارائه شود، بانک با دریافت تأییدیه از مشتریان خود مبنی بر اینکه این معامله معتبر است، یک اعتبارنامه اسنادی صادر خواهد کرد. در زمانی که اسناد ارائه شده به بانک بر اساس شرایط اعتبارنامه بررسی می‌شوند، بانک صرفاً باید اطمینان حاصل نماید که تمام اسناد باید تمام شرایط و ترتیبات اعتبارنامه اسنادی را رعایت کرده باشند (ماده ۱۴ یوسی پی). علی‌رغم وجود این تعهد، بانک هیچ تعهد دیگری نسبت به بررسی صحت اسناد یا امضاهای آن‌ها ندارد.

۳-۱-۱. اقتضای نظم عمومی برای کنترل تقلب

به طور کلی حقوق وظیفه حفاظت و حمایت از اعمال و رفتار صادقانه و تنبیه اعمال متقلبانه یا اعمال مبتنی بر سوء نیت را دارد. حقوق چه در سطح داخلی و چه در سطح فراملی نمی‌تواند در مقابل سوء استفاده کردن از نهادها و مقررات حقوقی بی تفاوت باشد. هنجارها و قواعد حقوقی زمانی به طور موفقیت آمیز مورد قبول واقع خواهند شد که ارزش‌های مبتنی بر حقوق طبیعی یا همان ارزش‌های اجتماعی را انعکاس دهند. در رابطه با اعتبارات اسنادی نیز رویه قضایی نمی‌تواند علی‌رغم وجود اصل استقلال در اعتبارات اسنادی نسبت به تقلب اتفاق افتاده در پروسه پرداخت بر مبنای اعتبارات اسنادی بی تفاوت باشد. حمایت از عمل صادقانه و منع اثر بخشی به اعمال ناشی از تقلب و حيله که نهایتاً منجر به کار آمدتر شدن اعتبارات اسنادی خواهد شد، اقتضا دارد که استثناء تقلب در مقابل اصل استقلال در اعتبارات اسنادی مورد توجه واقع شود. یک قاضی آمریکایی در این زمینه بیان می‌کند: «منافع عمومی بطور یکسان در از بین بردن انگیزه تقلب همانند تشویق به استفاده از اعتبارات اسنادی وجود دارد». بنابراین قاعده تقلب به عنوان بخشی از آواز یا صدای حقوقی تلقی می‌شود که ضرورت حمایت نظم عمومی از اعمال استثناء تقلب را متبلور می‌سازد و در حقیقت در پاسخ به ریسک ارتکاب تقلب در روند پرداخت بر مبنای اعتبارنامه اسنادی و جلوگیری از دارا شدن یکی از طرفین بر مبنای اقدامات متقلبانه، رویه بازرگانی بین‌المللی استثناء تقلب را

فراخوانده و به طرف متقلب امکان بهره مند شدن از منافع ناشی از اعتبارنامه اسنادی را نداده است. این سیاست در عصر ما نیز باید بیش از هر زمانی مورد تأکید قرار گیرد. در سال‌های اخیر، اعتبار نامه اسنادی و ضمانت نامه‌های مستقل^۱ بطور فزاینده‌ای به وسیله کلاهبرداران به عنوان ابزارهایی برای فریبی ویژه که سرمایه گذاران، میلیون‌ها دلار را برای ساعت‌ها و با هزینه‌های بی‌شماری رها می‌کنند، باعث ظهور دادخواهی‌های حقوقی و تحقیقات کیفری متعددی شده و شهرت مشروعیت ابزارهای تجارت و تأمین مالی تجاری را لکه دار کرده است.

بنابراین اگر قانون یک موضع قوی بر علیه تقلب اتخاذ نماید، کلاهبرداران که در آینده ممکن است قصد ارتکاب کلاهبرداری را داشته باشند ممکن است از ارتکاب اعمال نادرست خود منصرف شوند (Buckely and Gao, 2002: 665-666).

بنابراین مقررات قانونی از جمله در رابطه با اعتبارات اسنادی باید به نحوی اعمال شوند که باعث افزایش سطح اطمینان به اعتبارات اسنادی شود و این اطمینان خاطر در سطح قابل قبولی به استفاده کنندگان از اعتبارات اسنادی در معاملات تجاری بین‌المللی القاء شود. هیچ سند یا نهادی در تجارت بین‌الملل نمی‌تواند بدون توجه به ارزش‌های اساسی اجتماعی مانند ترویج درستی و صداقت و حفاظت از منافع مشروع تجاری در جامعه بازرگانی نهادینه شود.

مبنای منطقی برای استثناء تقلب این است که به نفع عدالت نیست که به طور خاص در رابطه با اعتبارات اسنادی یک ذی نفع بی وجدان، کسی که مرتکب تقلب شده، پرداخت وجه اعتبار را با تکیه بر اصل استقلال به دست آورد. در پرونده **یونایتد سیتی مرچنتس** بر علیه رویال بانک کانادا^۲ دادگاه عنوان نمود که دادگاه اجازه نخواهد داد که فرآیندی برای انجام تقلب مورد استفاده قرار گیرد. دادگاه در این راستا بر دکتترین *ex turpi causa non oritur* یا عدم امکان طرح هرگونه دعوایی بر مبنای رفتار غیر قانونی در این زمینه استناد نمود (Fieties, 2013: 13).

1. Independent Guarantees
2. Unscrupulous Beneficiary.
3. United City Merchants(Investments) Limited v Royal Bank of Canada(1983)
۴. قاضی این پرونده lord Diplock یکی از قضات مشهور انگلستان است که در سال ۱۹۰۷ در انگلستان متولد شد.

۳-۱-۲. تأثیر تقلب بر تقلیل کارآمدی اعتبارات اسنادی

ویلیام شکسپیر^۱ اظهار می‌دارد: «مردمان تاکنون فریب خورده‌اند ... فریب انسان‌ها تاکنون وجود داشته است، از آنجایی که آغاز تابستان پر برگ بود». در بیان دیگری نیز عنوان شده «در زمانی که انسان‌ها خالص^۲ هستند، قوانین بی فایده هستند، در زمانی که انسان‌ها غیر صادق هستند، قوانین نقض^۳ شده‌اند». تقلب همه چیز را منحل می‌کند.^۴ این شعار ریشه در کامن لا و سنت انصاف^۵ دارد (Moens, 2013:27).

تقلب در اعتبارات اسنادی نه تنها با نظم عمومی بر علیه تقلب مرتبط می‌شود بلکه همچنین یک تهدید بالقوه کاملاً جدی برای سودمندی اعتبارات اسنادی محسوب می‌شود. ترویج و گسترش اعتبارات اسنادی در این حقیقت نهفته است که اعتبارات اسنادی می‌تواند یک تعادل منصفانه در رابطه با منافع رقابتی بین افراد درگیر (در معامله) ایجاد کند.

کارکرد طبیعی اعتبارات اسنادی نه تنها فراهم کردن بهره برداری ایمن و دسترسی سریع به قیمت خریداری شده در زمان مورد نظر متقاضی است، بلکه همچنین برای متقاضی اعتبار مزایای تجاری دیگری را نیز در مقابله با برخوردهای نامناسب در اعتبار، از طریق الزام ذی نفع نسبت به ارائه اسنادی که نشان می‌دهد او تعهداتش را بطور کامل تحت معامله انجام داده، محافظت می‌کند و از همه مهم تر به متقاضی در راستای اتکاء بر هدف تجاری‌اش کمک می‌نماید (Gao, 2002:31). بنابراین اعتبارات اسنادی به منزله یک وسیله پرداخت همانند چک یا برات محسوب نمی‌شود بلکه مکانیسم اعتبارات اسنادی به نحوی طراحی شده است که طیف وسیعی از انتظارات مشروع قراردادی طرفین را در بر می‌گیرد و ریسک‌های مختلف معامله در سطح فرا ملی را پوشش می‌دهد.

بنابراین اگر یکی از طرفین اعتبارنامه اسنادی، سود خودش را در فرار و دور زدن سیستم اعتبار اسنادی ببیند و سایر افراد ذی نفع در پروسه اعتبارنامه را از طریق ارائه

1. william shakespeare
2. pure
3. laws are broken
4. Fraud unravels all
5. Equitable

اسناد جعلی یا ساختگی فریب دهد، به منافع سایر طرفین لطمه خواهد زد و تعادل فرض شده در طرح اعتبارنامه اسنادی را تضعیف خواهد کرد.

برای مثال در یک معامله تجاری مبتنی بر اعتبارات اسنادی، اگر فروشنده کالایی را حمل نکند یا تنها چیزهای پست و بی ارزش فرستاده باشد و با این وجود پرداخت از طریق ارائه اسناد ساختگی یا تقلبی صورت گرفته باشد، این پرداخت به متقاضی اعتبار لطمه می زند و می توان در این زمینه این استدلال را مطرح نمود که تحت حقوق ناشی از اعتبارات اسنادی، خریدار می تواند اقدامی را بر علیه فروشنده به سبب انجام تقلب در معامله پایه انجام دهد. با این وجود به نظر می رسد به طور کلی این مقوله پیشنهاد جذابی نباشد.

همانطوریکه پروفیسور کویزل چک عنوان می دارد:

اطمینان از پرداخت به وسیله اعتبار اسنادی برای کسانی که به عنوان ذی نفعان، عرضه کنندگان محصولاتشان یا خدمات دهندگان به متقاضی تلقی می شوند، حیاتی است... چه چیزی درباره متقاضی اعتبار باید انجام شود؟ رها کردن متقاضی بدون (در نظر گرفتن) راه جبران خسارتی بر علیه تقلب (ذینفع اعتبار) بطور یکسانی انتظارات متقاضیان از اعتبار اسنادی را عقیم خواهد ساخت. علاوه بر این چرا باید متقاضی با حسن نیت اقدام به تحصیل صدور اعتبارنامه اسنادی و اخذ موافقت پرداخت از طریق بانک گشاینده، برای پرداخت اعتبار در فرضی نماید که اعتبارنامه اسنادی بطور خودکار و غیر قابل توقیفی در راستای ارتکاب تقلب مورد استفاده واقع شده است؟ (Gao,2002:31-32) به عبارت دیگر به مبنای منطق معاملاتی و عقلانیت اقتصادی هیچ فردی حاضر نیست که از ابزاری در معامله استفاده نماید که محیط مناسبی برای ارتکاب تقلب برای طرف دیگر فراهم آورد. اصل استقلال در اعتبار نامه اسنادی نیز نباید به نحوی تفسیر یا اعمال شود که مجالی را برای استناد و اعمال استثناء تقلب فراهم نسازد، که در غیر این صورت ریسک انجام معامله بر مبنای اعتبار نامه اسنادی آنچنان بالا می رود که منافع قابل استفاده از این روش پرداخت در بازرگانی بین المللی را تا حد زیادی تحت تأثیر قرار می دهد و عملاً انگیزه بسیاری از فعالان تجاری را در استفاده از اعتبارات اسنادی از بین خواهد برد. بدیهی است در صورت عدم وجود استثناء تقلب،

دیگر نمی‌توان از اعتبار اسنادی به عنوان یکی از مطمئن‌ترین روش‌های پرداخت در بازرگانی بین‌المللی نام برد.

بدیهی است عدم دادن اختیار به بانک‌ها در راستای صدور دستور منع پرداخت، متعاقب کشف تقلب، باعث ترویج تقلب در راستای دستیابی به منافع نامشروع مالی می‌شود که بدیهی است مبارزه با چنین اعمالی جزء اهداف اولیه هر نظام و سیستم حقوقی محسوب می‌شود و هیچ نظام حقوقی نمی‌تواند بی تفاوت نسبت به ارتکاب تقلب و برهم زدن نظم معاملاتی باشد.

با وجود اهمیت قاعده تقلب و ارتباط غیر قابل انکار آن با ریسک انجام معامله، این سؤال مطرح می‌شود که اولاً قاعده تقلب در چه موقعیت‌هایی اعمال می‌شود و آیا وقوع هرگونه تقلبی چه در اسناد ارائه شده تحت پروسه پرداخت بر مبنای اعتبارنامه اسنادی و چه در رابطه با اجرای تعهدات مربوط به معامله پایه می‌تواند به عنوان دفاعی در برابر مدعی متخلف محسوب شود؟ در پاسخ به این سؤالات رویه قضایی کامن لا را مورد توجه قرار می‌دهیم.

۲-۳. تقلب در اسناد اعتبار نامه و تقلب در معامله مبنایی

یک مسئله ای که دادگاه‌ها را تا حدودی آزار داده است این پرسش است که چگونه تقلب باید اتفاق بیفتد تا عدم پرداخت بر مبنای اعتبارات اسنادی را این تقلب توجیه نماید؟ بر مبنای برخی از دیدگاه‌های مطرح شده، تقلب باید در اسناد ارائه شده تحت اعتبارنامه رخ داده باشد. در مقابل این دیدگاه برخی بر این اعتقادند که حتی اگر هیچ تقلبی در اسناد رخ نداده باشد، تقلبی که صرفاً مرتبط با معامله پایه است نیز می‌تواند به عنوان یک دفاع برای پرداخت تحت اعتبارنامه محسوب شود.

مشکلی که در این رابطه وجود دارد بنابراین مرتبط با دامنه اعمال قاعده تقلب است و این موضوع در این زمینه مدنظر است که دامنه اعمال تقلب آیا محدود به تقلب ارتکاب یافته در اسناد ارائه شده به بانک است و اینکه در ارتباط به تقلب رخ داده در معامله پایه نیز قابلیت تسری دارد. در دو پرونده مشهور مطرح شده در حوزه قضایی

کامن لا، پرونده سزتجن^۱ و دعوای یونایتد سیتی مرچنس بر علیه رویال بانک کانادا، برای هردو موقعیت می‌تواند مبنایی باشد و از این جهت است که تقلب در اسناد یا تقلب در معامله (پایه) می‌تواند به عنوان یک دفاع کافی تلقی شود (Horowitz,2010:24).

۳-۲-۱. دعوای سزتجن

دعوای سزتجن به طرفیت جی. هانری شرودر بانکینگ کور پرشین^۲ یکی از مهم‌ترین پرونده‌های مرتبط با قاعده تقلب در عبارات اسنادی است که هر چند از طرف یک دادگاه آمریکایی صادر شد، اما تقریباً بر تمام نظام‌های حقوقی جهان تأثیر گذاشت و قاعده تقلب را در عبارات اسنادی پی ریخت. با توجه به اهمیت این دعوا و تأثیری که این تصمیم بر قاعده تقلب در اعتبار اسنادی داشت به بررسی آن خواهیم پرداخت.

حقایق و رأی صادر در پرونده سزتجن

سزتجن قرارداد منعقد شده برای خرید مقداری پشم از بازرگانان ترانسی با مسئولیت محدود^۳ از یک شرکت هندی بود. در راستای پرداخت ثمن کالاها، سزتجن از شرودر درخواست نمود که اعتبار نامه اسنادی را گشایش کند که ذی نفع این اعتبارنامه ترانسی بود (Buckley and Gao,2002:677). ترانسی پنجاه عدل از اجناس را بار یک کشتی کرد و اسناد مقرر در اعتبار اسنادی را تهیه نموده و براتی به حواله کرد چارترد بانک صادر نمود که این بانک برات صادره را همراه با اسناد مقرر در اعتبار، جهت مطالبه وجه به شرودر ارائه داد.

پیش از آنکه وجه اعتبار پرداخت شود، سزتجن دعوایی را به خواسته اعلام بطلان اعتبار اسنادی و برات صادره تحت اعتبار و صدور دستور موقت دائر بر منع گشایش اعتبار از پرداخت وجه برات اقامه کرد و مدعی شد که ذی نفع اعتبار در واقع پنجاه عدل را، از «موی گاو و سایر اشیای بی ارزش و آشغال پر نموده به نحوی که عدل‌ها

1. Szejn
2. Szejn V.J. Henry Schroder banking corp(1941)
3. Transit Traders Ltd

صرفاً بطور صوری با کالای واقعی شباهت داشته باشد و به این ترتیب ذی نفع قصد داشته از خواهان و اسنوارز کلاهبرداری نماید». خواهان همچنین مدعی شد که بانک ارائه کننده اسناد صرفاً از جانب ترانسی، وکیل در وصول است نه دارنده با حسن نیت^۱ برات که در قبال آن عوضی داده (بنایاسری، ۱۳۸۶: ۲۴۸). بانک این دادخواهی را با طرح این موضوع که (خواهان) نسبت به بیان سبب دعوا شکست خورده زیرا «چارترد بانک تنها مرتبط با اسناد است و صورت این اسناد نیز با الزامات اعتبار نامه اسنادی تطابق دارد» نپذیرفت.

در پرونده سزتجن، قاضی شین تاگ^۲... عنوان نمود اگر بانکها ملزم شوند یا اجازه نسبت به درگیر شدن در اختلافات بین طرفین در رابطه با کیفیت کالاها یا بند این یک دخالت تأسف بار^۳ در معاملات تجاری خواهد بود. علاوه بر این در حالی که استثناء تقلب نسبت به اصل استقلال در پرونده سزتجن در رابطه با «تقلب نشان داده شده در اسناد»^۴ است با این وجود به نظر می‌رسد که روشن است که قاضی شین تاگ به عملکرد ارائه شده بر مبنای قرارداد فروش مبنایی به عنوان موضوعی اثباتی، در راستای ساخت تصمیم خود در رابطه با مسئله تقلب در اسناد توجه نموده است (J Browne, 1999: 103).

بنابراین قاضی شین تاگ در پرونده سزتجن قاعده تقلب را در رابطه با اختلاف «بین خریدار و فروشنده در رابطه با صرف نقض تضمین مربوط به کیفیت کالاها اعمال نکرد بلکه در فرضی قاعده تقلب را مورد توجه قرار داد که فروشنده بطور عامدانه نسبت به حمل کالای سفارش داده شده به وسیله خریدار اقدام نکرده است ... و این مقوله در پرونده سزتجن در جایی بود که کالاها صرفاً دارای کیفیت پایین تری نبودند، بلکه از زباله‌های بی ارزش تشکیل شده بودند» (Xiang and P. buckley, 2003: 296).

در حقیقت قاضی شین تاگ در حکم صادره خود بر این اعتقاد بود که (عمل فروشنده) صرفاً نقض قرارداد نیست بلکه تقلب در معامله مبنایی رخ داده است.

1. Bona fide Holder
2. Shientag
3. Unfortunate Interference
4. Fraud as Represented in the Documents.
5. Intentionally

قاضی شین تاگ همچنین در جایی که فروشنده زباله‌ها را به جای کالاهای سفارش داده شده حمل نموده بود، بین تقلب در اسناد و تقلب در قرارداد پایه تمایز قائل شد. بر این اساس، قاضی شین تاگ اعلام کرد که «اعتبارنامه اسنادی نباید آنقدر توسعه داده شود که از فروشندگان بی وجدان حمایت کند که این مقوله امروزه جوهره قاعده استثنای تقلب محسوب می‌شود» (Meral, 2012: 52).

در رأی صادره در پرونده سزتجن پس از اذعان به ماهیت مستقل اعتبارنامه اسنادی از معامله پایه دادگاه در اثبات و تأسیس استثناء تقلب بیان نمود که:

«در چنین وضعیتی که تقلب فروشنده، توجه بانک را قبل از اینکه اسناد برای پرداخت ارائه شوند به خود جلب می‌نماید، اصل استقلال تعهد بانک‌ها، تحت اعتبارنامه اسنادی نباید برای محافظت از فروشنده بی وجدان گسترش پیدا کند (111: 2006, Tóth). در واقع دادگاه با این استدلال تأکید نمود که لازم است دامنه اصل استقلال در فرضی که بانک قبل از پروسه پرداخت وجه اعتبار از تقلب آشکار ذینفع اعتبار آگاه می‌شود محدود شود و به فروشنده متقلب اجازه بهره مند شدن از ثمن کالاها را ندهد.

همانطوری که به آن اشاره شد قاضی شین تاگ در رأی صادره خود در پرونده سزتجن از کلمه «عامدانه» استفاده نمود. به رغم استفاده از این واژه دیدگاه‌های متفاوتی در باب معیار تقلبی که در دعوی سزتجن اختیار شده، میان محاکم و مفسرین پدید آمده است. بعضی معتقدند که دعوی سزتجن معیار «تقلب عمومی» را بیان می‌دارد. برخی دیگر با تکلیف زیاد رأی صادره در این دعوا را چنین تفسیر کرده‌اند: «رأی صادره در دعوی سزتجن با توجه به وقایع آن نمایانگر معیار «تقلب فاحش» است». اما گروه دیگری معتقدند که معیار به ظاهر شدیدی که در این دعوا درباره تقلب ارائه شده، ناشی از الزامات خاص دادرسی در این پرونده یعنی ناشی از درخواست رد دعوا بود. چنانچه دعوی سزتجن در چارچوب دستور موقت مبنی بر انصاف مورد رسیدگی قرار می‌گرفت، رأی سزتجن «یک معیار منعطف تر و مبتنی بر انصاف از تقلب» را ارائه می‌داد. مع ذلک عده ای دیگر از مفسرین براین عقیده‌اند که رأی [دعوی سزتجن]

نمی‌گوید «چه درجه‌ای از علم به تقلب لازم است تا بانک گشاینده اعتبار حق داشته باشد بر اساس آن از پرداخت امتناع ورزد» (بناء نیاسری، ۱۳۸۶: ۲۴۹).

صرف نظر از معیار دقیق مدنظر قاضی شین تاگ در این پرونده، در پاسخ به سؤال مدنظر این مقاله در رابطه با این موضوع که دامنه استثناء تقلب آیا صرفاً مربوط به اسناد ارائه شده تحت اعتبارنامه اسنادی می‌شود و یا اینکه در رابطه با تقلب رخ داده در رابطه با معامله پایه نیز قابلیت استناد را دارد یا خیر به نظر می‌رسد علی‌رغم اعتقاد قاضی شین تاگ به استقلال معامله پایه از اعتبارات اسنادی و اذعان ضمنی به تمایز تعهدات ناشی از معاملات پایه از تعهدات ناشی از اعتبارات اسنادی، با این وجود در فرضی که تقلب رخ داده فراتر از نقض ساده تعهدات قراردادی، به طور کلی انتظارات قراردادی گشاینده اعتبار را از بین می‌برد، در چنین فرضی هرچند عمل متقلبانه در رابطه با معامله پایه رخ داده است، با این وجود به عنوان دفاع موثری در رابطه با عدم پرداخت بر مبنای اعتبارنامه اسنادی محسوب شده است.

۳-۲-۲. دعوای یونایتد سیتی مرچنتس بر علیه رویال بانک کانادا

دعوای یونایتد سیتی مرچنتس به طرفیت رویال بانک کانادا در سال ۱۹۸۱ مطرح شد که یکی از مشهورترین دعاوی در رابطه با استثناء تقلب در اعتبارات اسنادی حقوق انگلستان و همچنین سیستم حقوقی کامن لا محسوب می‌شود. در این پرونده، پرداخت بر مبنای اعتبار نامه اسنادی، در زمانی که بارنامه ارائه شده بطور متقلبانه ای وسیله شخص ثالث تاریخ زودتری خورده بود، پذیرفته نشد (P.Buckely and Gao, 2002: 688).

حقایق و تصمیم اتخاذ شده در پرونده

تصمیم پیشرو و مهم در حقوق انگلستان توسط مجلس اعیان در رابطه با قاعده تقلب در اعتبارات اسنادی در سال ۱۹۸۱ در دعوای یونایتد سیتی مرچنتس انگلستان اتخاذ شد.

این پرونده پارامترهایی را برای استثناء تقلب در محاکم انگلستان معرفی نمود. در این پرونده حقیقت پرونده بدین شکل بود که حمل کالاها یک روز بعد از تاریخی که در اعتبارنامه اسناد مشخص شده بود، صورت گرفته بود اما کارگزاران بارگیری، که همراه یا شریک با ذی نفع اعتبار نبودند، بطور متقلبانه ای تاریخ یک روز قبل را در بارنامه درج نمودند. در قضاوت این پرونده که به وسیله لرد دیپلاک صورت گرفت، لرد دیپلاک هم نظر با چهار لرد دیگر عنوان نمود که دامنه استثناء تقلب، به موضوع فراتر از تقلبی که یک طرف آن ذی نفع اعتبارنامه است، گسترش پیدا نمی‌کند.

آنچه در این رابطه مهم است که به آن توجه شود این است که هرچند مجلس اعیان در نظر گرفته بود که «تقلب همه چیز را به هم می‌ریزد» و با این وجود اینکه ماهیت تقلب در این پرونده، مربوط به تقلب در اسناد ارائه شده به جای تقلب در معامله پایه بود، مجلس اعیان در اتخاذ دیدگاه مطلق، بر اهمیت برتر اصل استقلال تأکید نمود (Dixon, 2004: 12). قاضی موتاکا، قاضی دادگاه بدوی در پرونده یونایتدسیتی، رأی بر صحت پروسه پرداخت در این پرونده داد و اصل استدلال خود را در این پرونده بر عدم ارتکاب تقلب یا رفتار نادرست توسط فروشنده قرار داد و معتقد بود که در این پرونده هیچ تقلبی از جانب خواهان رخ نداده است. لور داکنه قاضی دادگاه تجدیدنظر در مقام نقض رأی بدوی عنوان نمود:

«نمی‌توان بانک را به پرداخت وجه اعتبار اسنادی ملزوم نمود، مگر اینکه کلیه پیش شرط‌های لازم برای پرداخت وجه اجرا شده باشد و بانک نباید مکلف به قبول و پرداخت وجه در قبال اسنادی باشد که علم دارد کاغذ باطله‌ای بیش نیستند. اگر نظری به جز این بدهیم، گشاینده اعتبار را از حق وثیقه ای که در قبال پرداخت وجه دارد، محروم گردانیده‌ایم، حق وثیقه ای که یکی از خصایص اصلی روش تأمین مالی از طریق اعتبار اسنادی به شمار می‌رود».

مجلس اعیان رأی دادگاه پژوهش را نقض کرد. لرد دیپلمات قاضی مجلس اعیان اظهار داشت:

به هر حال دعوای حاضر در شمول استثنای تقلب قرار نمی‌گیرد. قاضی موتاکا رأی داده است که فروشندگان از عدم صحت تاریخی که آقای بیکر در بارنامه به عنوان تاریخ

واقعی بارگیری کالا بر روی کشتی امریکناکورت قید نموده، بی اطلاع بوده‌اند. فروشندگان گمان می‌کردند این تاریخ، تاریخ واقعی است و کالا واقعاً در ۱۵ دسامبر ۱۹۷۶ یا تاریخی پیش از آن که در اعتبار اسنادی لازم دانسته شده، بارگیری شده است... (بناء نیاسری، ۱۳۸۶: ۱۲۸۹)

صرف نظر از استدلال‌های فوق، آنچه مسلم است تقلب در پرونده یونایتد سیتی مرچنتس در رابطه با اسناد ارائه شده به بانک و نه در معامله پایه رخ داده است. دادگاه در این پرونده دامنه استثناء تقلب نسبت به اسناد ارائه شده تحت اعتبار نامه اسنادی را محدود نکرده است بلکه در فرض عدم ارتکاب تقلب یا عمل نادرست از ناحیه ذینفع اعتبار، ایرادی بر اعتبار روند پرداخت بر مبنای اعتبار نامه اسنادی قائل نشده است و بنا براین به نحوی از عمل مبتنی بر حسن نیت و رفتار منصفانه ذی نفع اعتبار حمایت کرده است. به طور کلی رویه قضایی مربوط به اعمال استثنای تقلب در حوزه کامن لا و به طور خاص در حقوق انگلستان نشان می‌دهد که اصل استقلال و سیاست کلی محاکم انگلستان مبتنی بر منع توسعه قاعده تقلب است و تمایل شدید مبنی بر منع اعمال قاعده تقلب نسبت به نقض تعهدات قراردادی پایه وجود دارد.

حقوق ایالت متحده بیشتر مستعد برای اعطاء دستورات منع موقت پرداخت وجه اعتبار در صورتی است که شرایط پرداخت، متضمن سوء ظنی نسبت به تقلب باشد و این بر خلاف محاکم انگلستان که استانداردهای سخت گیرانه‌ای را برای اعطاء احکام در این زمینه در نظر گرفته است.

۱. به‌طور مثال در دعوی شرکت بین‌المللی با مسئولیت محدود کوبر پاور (Power Curber International Ltd) بر علیه بانک ملی کویت (National Bank of Kuwait) در سال ۱۹۸۱ لرد دینینگ (Lord Dining MR) عنوان نمود: بانک هیچ ارتباطی با هر گونه اختلافی که خریدار ممکن است با فروشنده داشته باشد ندارد (Carr and Stone, 2010, p 477). و یا در دعوی مثنور مونترود نیز دادگاه پژوهش عنوان نمود: «مصالح محکمی اقتضا می‌کند که با ایجاد استثنایی تحت عنوان (استثنای تقلب) قلمرو استثنای تقلب را گسترش ندهیم... یک چنین استثنایی احتمالاً نسبت به منافع ذی‌نفع اعتبار که در این زنجیرهٔ قراردادی مشارکت دارد در موردی که حسن نیت، محل تردید نیست، اثر ناعادلانه می‌گذارد. بنابر این چنین تعمیمی نظام اعتبار اسنادی را که در خدمت تأمین مالی تجارت بین‌الملل است تضعیف خواهد کرد (نیاسری، ۱۳۸۶، ص ۳۰۴).

نکته دیگری که در تفاوت بین موضع ایالات متحده و حقوق انگلستان باید به آن توجه نمود این است که قانون موضوعه او رویه قضایی آمریکا آمانه وسیع‌تری را برای استثناء تقلب در نظر گرفته است و در این زمینه توجه جدی به نحوه اعمال ذی‌نفع اعتبار نامه اسنادی نموده است که آیا عمل چنین ذینفعی دارای چنان حيله و تقلبی است که در روابط تجاری بین طرفین غیر قابل اغماض تلقی شود یا خیر؟ در حقیقت به نظر می‌رسد که حقوق ایالات متحده نوعی معیار شخصی را در رابطه با احراز جدیت تقلب صورت گرفته در معامله مبنایی مورد نظر قرار داده است که قاضی یا داور رسیدگی کننده در هر پرونده می‌بایستی این جدیت را احراز کند تا بتواند دستور عدم پرداخت وجه اعتبار را صادر نماید.

در پرونده Regent Corp آمریکا بر علیه شرکت با مسئولیت محدود آزماآت بنگلادش^۳، منسوجات شرکت که در بنگلادش وجود داشت به یک خریدار آمریکایی نشان داده شد و چنین نشان داده شد که ملاف‌ها و بالش‌های آن در بنگلادش ساخته شده‌اند.

فروشنده می‌دانست که کالاها در پاکستان تولید شده‌اند، اما یک گواهینامه مبدأ^۴ جعلی درست کرد تا سهمیه وادارات^۵ از خطوط بنگلادش را دور بزند.

۱. ماده ۱۰۹-۵ از قانون تجارت متحدهالشیکل آمریکا یا همان ucc تقلب را هم در اسناد و هم در معامله اعمال می‌نماید اما این استثناء را محدود به مواردی می‌کند که سوء رفتار ذینفع جدی است. این ماده همچنین از اشخاص ثالثی که اسناد ذینفع بودن را در حسن نیت و بدون آگاهی از تقلب دریافت کرده‌اند، محافظت می‌کند.

۲. پرونده‌های Shaffer بر علیه Brooklyn Park Garden Apartment در سال ۱۹۷۷ و در پرونده NMC Enterprises Inc بر علیه Columbia Broadcasting Systems نمونه‌هایی از این پرونده‌ها هستند.

3. Regent Crop V Azmat Bangladsh(1999)

۴. گواهینامه مبدأ (Certificate of Origin) به معنای شکل خاصی از شناسایی کالاها است که در این گواهی، مقام یا نهاد اختیار داده شده به آن، گواهی می‌کند که کالاها توصیف شده در گواهینامه مربوط به کشور خاصی هستند. این گواهی می‌تواند شامل اظهاراتی باشد که به وسیله سازنده، تولید کننده، تهیه کننده، صادر کننده یا شخص ذی صلاح دیگری عنوان شده است (Grynberg, 2005: 646).

۵. در فروش بین المللی کالاها معمولاً باید مبدأ کالاها نشان داده شود و این مقوله به این دلیل است که محصولات

وارداتی از کشورهای خاص می‌تواند از رفتار گمرکی مرجحی برخوردار گردند (Klotz, 2008, p 105). در

حقیقت گواهی مبدأ توسط مقامات گمرکی یک کشور به عنوان بخشی از فرآیند ورود (کالاها) غالباً مورد نیاز است (Hinkelman etc, 2005, p 34).

در این پرونده دادگاه نیویورک عنوان نمود که تقلب کافی در معامله پایه در راستای اعتقاد بانک در راستای نپذیرفتن پیش نویس مبنایی اعتبارنامه اسنادی وجود دارد (Schaffer etc, 2014:200).

دیوان عالی کانادا در ترسیم وجوه تمایز، در رسیدگی به مفهوم تقلب بین محاکم انگلستان و آمریکا بر این اعتقاد است که تصمیمات محاکم انگلیسی و آمریکایی نسبت به محدوده استثناء تقلب نسبت به اصل استقلال متفاوت است. در نزد مقامات انگلیسی، اعتبارنامه اسنادی باید به رسمیت شناخته شود مگر اینکه اسناد نادرست به طور متقابلانه ای‌ای به وسیله ذینفع اعتبار ارائه شده باشند و تقلب در زمان ارائه اسناد به روشنی نزد بانک گشاینده اعتبار ثابت شده باشد. در نزد مقامات آمریکایی استثناء تقلب به موارد تقلب در معاملات پایه نیز گسترش یافته شده است...

دیوان عالی آمریکا نیز با روش محاکم آمریکایی موافق است که استثناء تقلب را به تقلب‌های رخ داده در معامله پایه نیز گسترش داده است. در دیدگاه این محاکم، استثناء تقلب نسبت به اصل استقلال اعتبارات اسنادی، باید نسبت به هر عمل مؤثر ذینفع اعتبار که به ذینفع، اجازه به دست آوردن منفعت اعتبار به عنوان نتیجه ای‌ای از تقلب را می‌دهد گسترش یابد (Moens 38: 2013). بر مبنای این حکم، ذینفع اعتباری که مرتکب عمل متقابلانه در راستای تحصیل وجه اعتبار شده است نمی‌تواند از نتیجه عمل نامشروع خود بهره ای‌ای ببرد و در حقیقت نمی‌تواند یک رفتار متقابلانه را وسیله کسب منفعت قرار دهد.

۳-۲-۳. اثبات تقلب

نکته دیگری که در رابطه با رسیدگی به پرونده‌های تقلب در اعتبارات اسنادی باید به آن توجه نمود و به طور ضمنی به آن اشاره شد در رابطه با اثبات تقلب یا همان دلیل تقلب است. دلیل ارتکاب تقلب از یک طرف می‌بایستی حقیقتی روشن باشد و از طرف دیگر نیز بانک می‌بایستی از آن آگاه گردد. در پرونده شرکت اویل سا آفاضی دونالدسون

1. Bank of Nova Scotia V Angelica-Whitewear Ltd (1987)
2. Oil SA

اظهار داشت که به طور قطع کافی نیست که بر مبنای اظهارات معمولی مشتری در راستای (ورود) خسارت جبران ناپذیر، بتوان به بانک گشاینده اعتبار در زمان نسبتاً کوتاهی که بین دادن چنین دستوری و اجرای آن به وسیله بانک وجود دارد، صادر شود. به دلیل تهدید غیرقابل جبرانی که صدور چنین دستوری برای شهرت بانک‌ها دارد، دادگاه به طور کلی اتکاء بنفس کافی برای دخالت در شروط اعتبار را ندارد.

لرد مک فایند در پرونده بانک پادشاهی اسکاتلند بر علیه هولمز^۱ نیز در همین راستا استدلال می‌کند که: مقامات پیشنهاد می‌کنند که توازن آسودگی خاطر، به ندرت تمایل به نفع دخالت در اجرای تعهدات بانک‌ها طبق اعتبارنامه اسنادی دارد زیرا چنین دخالتی ممکن است سبب خسارات غیرقابل محاسبه ای‌ای شود.

از طرف دیگر راههای جبران خسارت دیگری (به غیر از دستور عدم پرداخت وجه اعتبار) نیز در پیش روی مشتری وجود دارد (Ramlogan and Persadie, 2004: 424). بنابراین بر مبنای استدلال فوق محاکم به طور کلی گرایش به سمت عدم صدور دستور توقف پرداخت وجه اعتبار دارند و این به این دلیل است که عدم پرداخت وجه اعتبار گشایش یافته توسط یک بانک، می‌تواند سبب عدم اعتماد بازرگانان و سایر فعالین تجاری به اعتبارات گشایش یافته توسط این بانک شود و این مقوله می‌تواند سبب ورود خسارت جبران ناپذیری شود و از این جهت با وجود سایر راههای جبران خسارت و یا ضعیف بودن دلایل اثبات کننده تقلب، محاکم تمایلی در صدور دستور منع پرداخت یا توقیف وجه اعتبار ندارند.

۳-۳. ارتکاب تقلب توسط شخص ثالث

یکی دیگر از موارد بحث برانگیز در رابطه با ارتکاب تقلب، تقلبی است که از سوی طرفین قرارداد اعتبارنامه اسنادی، یعنی از طرف متقاضی گشایش اعتبار، ذینفع اعتبارنامه و بانک صادر کننده اعتبار صورت نمی‌گیرد، بلکه شخصی مرتکب تقلب می‌شود که شخص فروشنده و همچنین ذینفع اعتبارنامه و بانک صادر کننده اعتبار هیچگونه

1. Royal Bank of Scotland v Holmes (1999)

تقصیری در تقلب ایجاد شده به وسیله او ندارد. این فرض از تقلب به طور معمول ممکن است توسط دو گروه از اشخاص اتفاق افتد:

گروه اول شرکت‌هایی هستند که به طور مستقیم در پروسه پرداخت بر مبنای اعتبارنامه اسنادی دخالت دارند و دومین گروه شرکت‌هایی هستند که به طور مستقیم در روند پرداخت بر مبنای اعتبارنامه دخالتی ندارند بلکه در آماده سازی اسناد جهت تحویل آن‌ها یا مطالبه برای پرداخت بر مبنای اعتبارنامه دخالت دارند.

در هر دو فرض فوق آنچه بیشتر مورد توجه است، این مقوله است که شخصی که ذینفع اعتبار است دخالتی در ارتکاب تقلب در روند پرداخت اعتبارنامه نداشته باشد. در پرونده یونایتد سیتی مرچنتس بر علیه رویال بانک کانادا این موضوع مورد توجه مجلس اعیان انگلستان قرار گرفت. در این پرونده فروشنده‌گان از علامت گذاشته شده در بارنامه بی اطلاع بودند و بر این باور بودند که آن‌ها بارنامه صحیحی را برای پرداخت ارائه داده‌اند، ولی بانک تأیید کننده اسناد عنوان نمود که تقلبی در بارنامه رخ داده است. دادگاه در این پرونده بر این اعتقاد بود که چنانچه فروشنده شخصی نیست که مرتکب تقلب شده است، نمی‌توان در برابر او به استثناء تقلب استناد نمود. در این پرونده پرداخت اعتبارنامه اسنادی از طرف بانک پذیرفته نشد زیرا بارنامه ارائه شده به طور متقلبانه ای تاریخ مقدمی در آن به وسیله شخص ثالث درج شده بود. متعاقب این عدم به رسمیت شناختن، ذینفع اعتبارنامه اسنادی دادخواهی نمود. لرد دیپلوک در این پرونده قبل از پرداختن به موضوع تقلب شخص ثالث عنوان نمود:

بیان کلی اصل استقلال مؤید این مطلب است که یک استثناء مستقر وجود ندارد: در جایی که فروشنده، با هدف طراحی بر روی اعتبار، به طور متقلبانه ای اسنادی را به بانک تأیید کننده اسناد ارائه می‌دهد که حاوی نشانه‌های صریح یا ضمنی از حقایقی است که نادرست نشان داده شده‌اند. هرچند در بین مقامات انگلیسی پرونده مشابهی که این بیان استفاده شده باشد وجود ندارد، این مقوله به خوبی در پرونده‌های آمریکایی پیشرو مانند پرونده ستزجن ثابت شده است (Xiang and P. Buckley, 2003: 688-689). در این پرونده ارتکاب تقلب به وسیله شخص ثالث، که ذینفع اعتبار در روند

ساخت این تقلب بی گناه بود از شمول دامنه تقلب استثناء شده است. در این پرونده بانک متعهد به پرداخت است زیرا علی رغم آگاهی از وجود تقلب، بانک و خریداران و حتی خود فروشندگان نیز از شخص ثالث فریب خورده‌اند (Kouladis, 2006: 231). بنابراین این قاعده به طور کلی وجود دارد که تقلب می‌بایستی به وسیله خود ذینفع اعتبار بیفتد و نه به وسیله یک شخص ناآشنا نسبت به شخص ذینفع اعتبار. به طور مثال تغییر در تاریخ حمل در بارنامه به وسیله حمل کننده بدون اطلاع ذینفع اعتبار، به صادر کننده اعتبارنامه اجازه رد پرداخت وجه اعتبار را نمی‌دهد (Lucas, 2011: 32).

۳۰۱

لازم به ذکر است که عدم شمول دامنه اجرایی استثناء تقلب، به تقلب صورت گرفته به ویژه در فرضی که از تقلب صورت گرفته ضرر مهمی به بانک یا خریدار وارد نشده است، موجه تر است. در پرونده یونایتد سیتی مرچنتس بر علیه رویال بانک کانادا لرد دیپلوک استدلال نمود که:

بارنامه ای که متضمن تاریخ اشتباه بارگیری بر روی آن به وسیله عمل نماینده حمل کننده است، بارنامه باطلی نیست. این بارنامه یک رسید انتقال معتبر برای کالاهای دارنده آن تلقی می‌شود که دارنده حق مطالبه این کالاها را در بندر مقصد دارد و کالاهای مشمول بارنامه

که مطابق شروط قراردادی بودند نیز حمل شده بودند (Gao, 2001: 134). مطابق این تفسیر لرد دیپلوک در پرونده یونایتد سیتی مرچنتس بر علیه رویال بانک کانادا به علت حمل کالاها و وجود حقوق مربوط به بارنامه، از جمله حق تصرف برای دارنده آن، پذیرش استثناء تقلب در رابطه با صدور دستور به عدم پرداخت وجه اعتبار دشوار است.

نکته دیگری که از رویه قضایی انگلستان با توجه به پرونده یونایتد سیتی مرچنتس بر علیه رویال بانک کانادا قابل استنباط است، اهمیت عدم آگاهی ذینفع اعتبار از تقلب رخ داده به وسیله شخص ثالث است. بر اساس این معیار در این پرونده از آنجایی که ذینفع اعتبار آگاهی از این مقوله نداشته است که نماینده حمل کننده به طور متقلبانه ای‌ای تاریخ حمل را غیر واقعی در بارنامه گذاشته است، ذینفع اعتبار در تقلب شرکت نداشته است و در نتیجه قاعده تقلب اعمال نخواهد شد (Hans Mueller, 2013: 58).

بنابراین در حقوق انگلستان حتی در جایی که به روشنی ثابت شده باشد که رضایت بانک بر مبنای تقلب شکل گرفته است، اما نزد بانک دلیلی وجود ندارد که نشان دهد ذینفع (فروشنده) از تقلب آگاه بوده، بانک باید وجه اعتبار را پرداخت نماید (Kouladis, 2016:23). در حقوق انگلستان، اعتبارنامه اسنادی می‌بایستی مورد احترام واقع شود مگر اینکه اسناد ساختگی به طور متقلبانه ای به وسیله ذینفع ارائه شده باشد و تقلب به طور واضح نزد بانک گشاینده اعتبار در زمان ارائه اسناد ثابت شده باشد. به طور کلی رویه قضایی در حقوق انگلستان این است که دامنه تقلب محدود به ارتکاب جعل در اسناد ارائه شده به وسیله ذینفع به بانک می‌شود و همچنین استانداردهای بالای اثباتی برای اثبات تقلب در دادگاه و محدود کردن دسترسی متقاضی به دستور منع موقت (پرداخت) در سیستم حقوقی انگلستان وجود دارد.

نکته آخر در رابطه با تقلب صورت گرفته توسط شخص ثالث این است که این تقلب غالباً در رابطه با شرایط معامله پایه صورت می‌پذیرد. به طور مثال در قرارداد فروش مبنایی خریدار و فروشنده توافق می‌نمایند که تاریخ حمل کالاها ۲۲ اکتبر ۲۰۱۵ باشد، منتها به دلیل عدم بارگیری کالاها در تاریخ مقرر که همان تاریخ مقرر در قرارداد فروش نیز می‌باشد، ممکن است حمل کننده یا نماینده او به منظور نشان دادن دروغین رعایت دستورات فرستنده محموله، تاریخ قراردادی را به جای تاریخ واقعی حمل، در بارنامه درج نماید. نکته ای‌ای که در رابطه با این نوع تقلب باید به آن توجه داشت این است که چنین تقلبی چنانچه سبب محرومیت اساسی دارنده بارنامه یا همان متقاضی گشایش اعتبار از منافع مورد انتظار قراردادی‌اش شود، می‌تواند منجر به تحقق مفهوم نقض اساسی قرارداد شود و اساساً به خریدار حق فسخ معامله مبنایی را دهد. مفهوم نقض اساسی نهادی است که در ماده ۲۵ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالاها یا همان CISG^۲ به آن اشاره شده است. مطابق ماده ۲۵ کنوانسیون وین:

«نقض قرارداد توسط یکی از طرفین هنگامی اساسی محسوب می‌شود که منجر به ورود چنان خسارتی به طرف دیگر شود، به نحوی که به طور اساسی او را از آنچه

1. Fundamental Breach

2. United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (CISG; the Vienna Convention) 1980

استحقاق انتظار به دست آوردنش را به موجب قرارداد داشته محروم نماید. مگر این که طرفی که مبادرت به نقض قرارداد نموده است، چنین نتیجه ای را پیش بینی نمی کرده، و یک فرد متعارف همانند او نیز در اوضاع و احوال مشابه نمی توانسته آن امر را پیش بینی کند».

در برخی از موارد تاریخ حمل که در قرارداد مبنایی و شرایط پرفورما اینویس یا همان دستور خرید به آن اشاره شده از چنان اهمیتی برخوردار است که حمل محموله در تاریخی غیر از تاریخ مقرر در قرارداد می تواند سبب ورود چنان خسارتی به خریدار شود که باعث تحقق مفهوم نقض اساسی قرارداد شود و مطابق بند ۱ ماده ۴۹ CISG^۱ به خریدار حق فسخ قرارداد مبنایی را دهد.

بنابراین در فرض تقلب به وسیله شخص ثالث، هرچند نقض قرارداد توسط فروشنده ناآگاه ظاهراً رخ نداده است با این وجود آنچه مسلم است استفاده از اعتبارات اسنادی به عنوان روش پرداخت ثمن کالاها حکایت از قصد ضمنی طرفین در اهمیت به تاریخ های حمل محموله و انجام تعهدات مطابق شرایط پرفورما اینویس دارد. بنابراین نقض تاریخ مقرر در قرارداد می تواند با وجود سایر عناصر موجود در مفهوم نقض اساسی منجر به تحقق این مفهوم و ایجاد حق فسخ قرارداد برای خریدار شود. با این وجود اعمال این حق فسخ ظاهراً مطابق ماده ۴ مقررات یوسی پی ۶۰۰ نمی تواند سبب

۱. مطابق ماده ۴۹ CISG:

۱. در موارد زیر مشتری می تواند قرارداد را باطل اعلام نماید:
الف. در صورتیکه عدم ایفای هریک از تعهدات بایع بموجب قرارداد یا این کنوانسیون نقض اساسی قرارداد محسوب شود...

۲. ماده ۴ مقررات یوسی پی ۶۰۰ عنوان می دارد:

اعتبار بنابه ماهیت خود معامله ای جدا از قرارداد فروش یا سایر قراردادهایی که مبنای گشایش اعتبار قرار می گیرند. قراردادهای مبنای اعتبار به هیچ وجه ارتباطی به بانکها نداشته و تعهدی برای آنها ایجاد نمی کند، حتی اگر در اعتبار هرگونه اشاره ای به اینگونه قراردادها شده باشد. در نتیجه تعهد بانک نسبت به پذیرش پرداخت، معامله یا انجام هر تعهد دیگری تحت اعتبار تابع ادعاها یا دفاعیات درخواست کننده اعتبار که ناشی از روابط وی با بانک گشاینده یا ذی نفع است نخواهد بود. ذی نفع اعتبار تحت هیچگونه شرایطی نمی تواند از روابط قراردادی موجود بین بانکها یا بین بانک گشاینده و درخواست کننده اعتبار بهره مند شود. بانک گشاینده باید درخواست کننده اعتبار را از الحاق نسخه ای از قرارداد، پرفورما یا اسنادی شبیه به آن بعنوان جزء تفکیک ناپذیر اعتبار منصرف کند.

عدم پرداخت وجه اعتبار شود. در این رابطه اولیج استدلال می‌نماید که در فرض فسخ قرارداد مبنایی یا عدم موفقیت پیمان، ذینفع اعتبار از ادعای پرداخت (وجه اعتبار) برخوردار خواهد شد^۱ (Frías García, 2010: 84).

بنابراین با در نظر گرفتن استانداردهای بالا برای اثبات تقلب و همچنین عدم تأثیر ایرادات مربوط به معامله پایه و همچنین اعلام فسخ متعاقب آن در عدم پرداخت وجه اعتبار هر چند با هدف حمایت از اعتبار بانک‌ها در جامعه بازرگانی توجیه پذیر است، با این وجود ممکن است به نحو قابل توجهی حقوق ذینفع اعتبار را نادیده بگیرد. بنابراین هر چند استثناء تقلب در حقیقت در راستای کاهش ریسک پرداخت بر مبنای اعتبارات اسنادی در نظر گرفته شد، با این وجود دامنه اعمال محدود این استثناء و در برخی از کشورها مانند انگلستان وجود استانداردهای سختگیرانه و دامنه محدود اعمال آن می‌تواند باعث وجود ریسک‌هایی برای پرداخت بر مبنای اعتبار نامه اسنادی شود که مزایای پرداخت بر مبنای اعتبارنامه را به خصوص برای ذینفع اعتبار تا حدود زیادی کاهش دهد.

نتیجه‌گیری

هر چند اعتبارات اسنادی یکی از مهم‌ترین و مطمئن‌ترین روش‌های پرداخت ثمن کالاها در تجارت بین‌الملل محسوب می‌شود، با این وجود این روش پرداخت علی‌رغم کاهش قابل توجه ریسک‌های معامله، نتوانسته به طور کامل ریسک‌های انجام معامله را از بین ببرد. یکی از مهم‌ترین ریسک‌های مربوط به استفاده از اعتبارات اسنادی در تجارت بین‌الملل، ریسک ارتکاب تقلب در اسناد مربوط به پرداخت بر مبنای اعتبارات اسنادی است. در بعضی از موارد فروشنده خارجی یا همان ذینفع خارجی ممکن است در راستای استفاده از مزایای مربوط به اعتبارات اسنادی، از جمله دریافت تضمین شده ثمن کالاها یا تحصیل یک تضمین مالی مهم، یعنی تعهد غیرقابل برگشت بانک نسبت به پرداخت وجه اعتبار، در فرضی که نتوانسته یا نخواست تعهدات قراردادی را مطابق

1. Eveleigh
2. Potton Homes Ltd. v. Coleman Contractors (Overseas) Ltd

شرایط قراردادی انجام دهد، اسناد غیرواقعی را ارائه دهد که بانک را متعاقد به پرداخت وجه اعتبار نماید. اصل استقلال نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول حاکم بر اعتبارات اسنادی نیز به طور کلی بانک‌ها را تکلیف رسیدگی به ایرادات مربوط به معامله پایه مبرا کرده و بر مبنای اصل پذیرش مطلق اسناد، بانک‌ها را صرفاً مکلف به بررسی اسناد ارائه شده به بانک نموده است. با وجود این اصول، مسائل بوجود آمده در رابطه با ارتکاب تقلب در پروسه پرداخت بر مبنای اعتبارات اسنادی باعث شد که استثناء تقلب در برابر اصل استقلال در اعتبارات اسنادی در راستای حفاظت از منافع مشروع طرفین اعتبار و با هدف جلوگیری از تحصیل یک منفعت نامشروع از یک عمل متقلبانه مطرح و مورد توجه قرار گرفت. با این وجود هرچند استثناء تقلب به عنوان یک استثناء مهم به رسمیت شناخته شده است با این وجود دامنه و وسعت اعمال این استثناء در نظام‌های مختلف حقوقی یکسان نیست. بر خلاف حقوق انگلستان که دامنه اعمال این استثناء را صرفاً محدود به تقلب‌های صورت گرفته در اسناد ارائه شده به بانک نموده و تقلب‌های صورت گرفته در معاملات پایه را مؤثر در تعهد پرداخت بانک‌ها نمی‌داند، حقوق ایالات متحده با اتخاذ تفسیر وسیع‌تری از محدوده اعمال استثناء تقلب، توجه جدی به نحوه اعمال ذی‌نفع اعتبار نامه اسنادی نموده است و این موضوع را مدنظر قرار داده است که آیا عمل چنین ذینفعی دارای چنان حیله و تقلبی است که در روابط تجاری بین طرفین غیر قابل اغماض تلقی شود یا خیر؟ در حقیقت به نظر می‌رسد که حقوق ایالات متحده نوعی معیار شخصی را در رابطه با احراز جدیت تقلب صورت گرفته در معامله مبنایی مورد نظر قرار داده است که قاضی یا داور رسیدگی‌کننده در هر پرونده می‌بایستی این جدیت را احراز کند تا بتواند دستور عدم پرداخت وجه اعتبار را در فرضی که سوء رفتار ذینفع اعتبار جدی و غیر قابل اغماض است صادر نماید.

صرفنظر از تفاوت‌های موجود در نظام‌های مختلف حقوقی پیرامون دامنه و نحوه اعمال استثناء تقلب، وجود چنین استثنائی برای کاهش ریسک انجام معاملات بر مبنای اعتبارات اسنادی ضرورتی انکارناپذیر است و رویه قضایی کشورهای پیشرفته نیز این اصل را مورد تأکید قرار داده‌اند. با وجود ضرورت وجود چنین اصلی و اهمیت جلوگیری از تحصیل منافع بر مبنای اعمال نامشروع، نکته‌ای که باید به آن توجه نمود

منابع

این است که اعمال این اصل می‌بایستی باتوجه به زیان‌های که ممکن است اعمال چنین استثنائی برای منافع و شهرت بانک‌ها داشته باشد، می‌بایستی با ملاحظه دقیق تمام شرایط مربوط به پرونده و حتماً توسط قضات متخصص و آشنا با شرایط معاملات منعقد در حیطه تجارت بین‌الملل و ویژگی‌های مهم اعتبارات اسنادی صورت پذیرد. هر گونه تصمیم شتاب زده و غیرتخصصی در این زمینه می‌تواند به نحو غیر قابل جبرانی منافع بانک گشاینده اعتبار را تحت تأثیر قرار دهد.

شهبازی‌نیا، مرتضی، ایوبی، زهرا. (۱۳۹۴). «مطالعه تطبیقی تأثیر تقلب شخص ثالث بر پرداخت وجه معاملات اسنادی»، *مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، مقاله ۴، دوره ۱۹، شماره ۴، صص ۹۶-۷۵.

نیاسری، ماشاءاله، روس پی بوکلی، گائو ایکس یانگ. (۱۳۸۶). *مطالعه تطبیقی در مورد*

قاعده تقلب و معیار آن

- Lucas, David(2011). *Shipping & International Trade Law*, United Kingdom, Sweet & Maxwell.
- Carr, Indira, stone, Peter(2010). *International Trade Law*, Fifth Edition, Dixon, Bill(2004). *As Good As Cash? «The Diminution of Autonomy Principle»*, *Australian Business Law Review*, 32(6), pp 391- 406.
- Faure, Michael, Van der Walt, Andre(2010). *Globalization and Private Law: The Way Forward*, UK, Edward Elgar Publishing.
- Fieties, Leon, 2013, *Letters of Credit - the Fraud Exception: A Time for Conformity*, A Mini-Thesis Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of LL.M in Mercantile and International Trade Law.
- Frías García, Roberto Luis(2010). «The Autonomy Principle of Letters of Credit», *Mexican Law Review*, Vol. III, No. 1, pp 67-96.
- Gao, Xiang (2002). *The Fraud Rule in the Law of Letters of Credit: A Comparative Study*, USA, Kluwer Law International.
- Grynberg, Roman(2005). *Rules of Origin: Textiles and Clothing Sector*, Great Britain, Cameron DAY.
- Hans Mueller, Frank Roland (2013). *Letters of credit with focus on the UCP 600 and the exceptions to the principle of autonomy with emphasis on the “fraud Rule” under the laws of the USA, the UK*

- and the RSA, Faculty of Law of the University of the Western Cape, Mini-Thesis for LLM.
- Hinkelman, Edward G, Manley, Myron, Shippey, Karla C, Nolan, James L, Bidwell, Wendy, Woznick, Alexandra(2005). Importers Manual USA: The Single Source Reference Encyclopedia for Importing to the United States, USA, World Trade Press.
- Horowitz, Deborah(2010). Letters of Credit and Demand Guarantees: Defences to Payment, New York, OUP Oxford.
- J. Browne, Jeffrey (1999). «The Fraud Exception to Standby Letters of Credit in Australia: Does it Embrace Statutory Unconscionability?», Bond Law Review, Volume 11, Issue 1, Article 6, pp 98-117.
- Janssen, Andre, Meyer, Olaf (2009). CISG Methodology, Munich, European Law Publisher,
- Klotz, James M (2008). International Sales Agreements: An Annotated Drafting and Negotiating Guide, Kluwer Law International.
- Kouladis, Nicholas(2006). Principles of Law Relating to International Trade, USA, Springer Science & Business Media.
- Moens, Gabriel (2013). International Trade and Business Law Review, Volume 8, UK, Routledge.
- Nevin, Meral (2012).»The Fraud Exception in Documentary Credits: A Global Analysis», Ankara Bar Review, Vol. 5, Issue 2, pp 39- 76. New York, Routledge.
- P. Buckley, Ross, Gao, Xiang (2002). « Development of the Fraud Rule in Letter of Credit Law: The Journey So Far and the Road Ahead», Journal of International Law, Vol. 23, Issue 4, Art2, pp 663- 712.
- Ramlogan, Rajendra, Persadie, atalie Renée(2004). Commonwealth Caribbean Business Law, UK, Psychology Press.
- Schaffer, Richard, Agusti, Filiberto, J. Dhooge, Lucien(2014). International Business Law and Its Environment,Canada, Cengage Learning.
- Tóth, Zsuzsanna(2006). Documentary Credits in International Commercial Transactions with Special Focus on the Fraud Rule, Pázmány Péter Catholic University, Athens/Budapest.
- Xiang, Gao (2001). «The Identity of the Fraudulent Party Under the Fraud Rule in the Law of Letters of Credit», University of New South Wales Law Journal, Volume 24(1), pp 119-141.
- Xiang, Gao, P. Buckley, Ross(2003), « A Comparative Analysis of the Standard of Fraud Required Under the Fraud Rule in Letter of Credit Law», Duke Journal of Comparative & International Law, Vol 13, No. 2, pp 293-336.